

حیازت مہامات

تقریب و وضع ید

۱۴۶

رکن مادی

حیا کردن رسائل تقریب و استیلا

۱۴۷۔ بار عایق خوانین و سرائے حیازت کند مالکان می شود. { رکن مانوی

۱۴۲۔ حرص از اراضی سرائے قسمی را به قصد تمک ایجاب کند { رکن معنوی
مالکان می شود.

حیازت ماهی در دریا می صید

حیازت سرورید می استغراج

حیازت آب بردخانه می تقریب مادی

مُلا سَنَدِ مَدَن
کَمِ رِیختن

در اعیاء
تَحْصِیر می شروع در حیازت

از قبل سند حیدر اطراف زمین
کندن چاه در زمین

شروع در احیاء
بیاضت

موجب مالکیت نمی شود.

فقط ایجاد حق اولویت در احیاء

زمین حاصل می شود = در اختیار دولت

لے داخل شهر = در اختیار ملی قصبہ = ستاد اجرایی فرمان امام

۱۴۸ - هرکس در زمین مباح نهري بکند و متصل کند به رودخانه

آن نهر را احیاء کرده مالک آن می شود.

حفر چاه، قنات، نوسه = مجوز از وزارت نیرو

۱۴۹ - اگر کسی آید داخل نهر = ملک صاحب مجری

بدون اذن مالک، نمی توان از آن نهری جدا کرد.

یا زین آب دارد.

۱۵۔ درگاهِ حیدر درِ بندِ مجری یا چاہِ شریب شوند۔

به نسبت عمل و مصالح به موجب تفاوت عمل باشد

(ملکاب)

اگرند انیم — اصل سادی در حیرت

همه‌ی دارند با آب نهر میاج، زمین خود را آب بدهند.

اگر آب زهر کافور نبود
ز سنی نه امیاء آن صدم بود، در آب هم صدم است
(صق اریاسین ریاست)

۱- اگر تقدم در آخر احیاء معلوم نباشد به زبانی به هر نزدیکی است مسم

۱- اگر تقدم دنا را با صلوات بخواند
در زمینی در دو طرف نهر محازی (در دو سو) بکشد

منہر بلند دلی بہ رودخانه مقل تندرہ سے تعبیر

چاہ بلند در ارضی مباح تا دقتی بہ آب نرسد ہے تعبیر

معادن ہے حکومت اسلامی

لے استخراج سے پروانہ نیاز دارد
مجدد

اشیاء پیدا شدہ

کسی مالی را پیدا کرے ، مالک خاص دارد

پیدا کنند ، نمی داند مالک کی نسبت؟

اگر بدانیم مالک اعراض کرے ہے بل تار خیابان

صباح سے ہی توانہ عمک کند .

اگر مالک را نمی‌شناسیم و نمی‌توانیم به راحتی او را پیدا کنیم .
اگر کمتر از یک درهم (۱۲/۱۶ نخود نقره) - پیدا کننده می‌تواند غنیمت کند.

اگر اعراض شخص نباشد

قطعی نباشد

اگر ساریب درهم و بیشتر

→ اول تکلیف تعریف → مثلاً آبی در بجه و نانوای

بعد از تکلیف، اگر مالک پیدا نشد

حقیقتاً به عنوان امانت مال را نگه دارد.

در اختیار

در نوع تصرفی نه می‌تواند حتی تصرف مالکانه
(مالک نمی‌شود)

تعریف بی‌فایده

تعریف - سابقاً

پیدا کننده امانت دهنده

به محض دسترسی به مالک

باید مال را به او بدهد

و الا ید ضایع

قبل از غلب برای مالک آن

ماده ۱۶۹

منافع

بعد از غلب - متعلق به پیدا کننده

در بیان یا خرابه خالی از سکنه نه مالک خاصی ندارد.

مالی پیدا کنند به آنی نیاز ندارد.

مگر معلوم باشند به مال عصر حاضر

مثل بالا

اگر پیدا کنند مال از زمان ابتدا یا پیش از بیان میل

تعریف بی نایده است

علم حاصل کنند نه

تعریف از
ادساقط

از یافتن صاحب مال، تا پیش از

ماده ۱۶۶ - اگر در ملک غیر یا ملکی که از غیر خریده، مالی پیدا کنند باید به آن

مال اطلاع
دهند

یا
احتمالی دهند مال مالک فعلی یا مالک سابق

آن مال را مردی مالیت نهند

باید به آن مال را بدهند

به فرایش مالیت آن مال معلوم باشد

الا مثل بالا

کمی از بدو درم
ساعت یا پیش
از بدو درم

اگر مال غیر قابل بقا و ناسدی شود به قیمت عادله فروخته

پولش در حکم ضرر مال پیدائده

حیوانات ضاله

له هر حیوان معلومی که بدون تصرف یافت شود.

در چراگاه یافت شود

۱۷۰- اگر مال به نزدیکی آب یافت شود.

{ به ضاله محسوب
نمی شود.

استخوان دماغ خود در مقابل حیوانات

باید آن را به مالک رد کنند

۱۷۱- هر کس حیوان ضاله پیدا کند.

اگر مالک را نشاند ^{حاکم} یا ^{حاکم} تا تخم تمام

والا ضامن می آید از تصرف جارده است

تا عده ضمان پدید.

۱۷۲- هرگاه حیوان در نشاء غیر مسکونی یات شود.

می تواند خارج تکهداری را از مالک مطالبه کند

در نشاء مسکونی حق مطالبه خارج ندارد.

لے برے بدہ بہ عالم

اگر از حیوان انتهای برده - مثلا سرخ تخم لڑا -

مسمی بهاکر - نه به مالیتی یا مالک پیدا کنند. حق رجوع به بکتر را دارند.

دفعینہ - مالک در بنای مدفون شده و چوب انتاق و صاف پیدا شده

اگر مالک معلوم نباشد کسی که آن را پیدا کرده.

اگر در ملک غیر - باید به مالک زمین اطلاع دهد

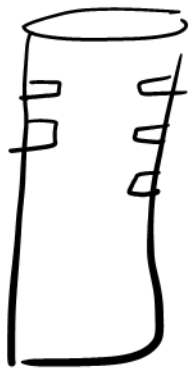
اگر مالک زمین مدعی مالیت است { به مدعی مالیت سکن نماید
ارعا را حاکم کرد (مالک زمین)

شکار درن موجب محمد
 می توانین هم رعایت شود

مَدَّ شکار حیوانات وحشی حفاظت شده
 موجب محمد نمی شود.
 جرم غیر قابل گذشت

شکار
 ۲ / حیوانات اهلی
 / حیواناتی که علامت مالیت در آن باشد
 / موجب محمد نمی شود.

اگر کسی کندو بسازد
 یا
 محلی برای زنبور عسل بسازد
 گفته کند
 زنبور عسل هر دران
 جمع لا شود مگر
 آن شخص



کبوتر در بچ کبوتر
 هم همین طور

عقد وقف

ہے حبس عین تسبیل منست

از عقد عینی

واقف

ایجاب

صما بالفظ

وقف عام ہے حاکم

وقف

قبول ہے

وقف خاص ہے قبول با موقوف علیہم

وقف عام ہے موقوف

تین شدہ یا نتواند قبض کنند
قبض با حاکم

قبض

در وقف خاص ہے طبقہ اول موقوف علیہم

اگر بعد از ایجاب و قبول و قبل از قبض ، طبقہ اول موقوف علیہم فوت کنند

طبقہ دوم قبض کنند

اگر بعد از ایجاب و قبول و قبل از قبض ، واقف فوت کنند

طبقہ ماعدہ
ما ایجاب و قبول را اہل سورا

عقد عینی

در عقد وقف

همین که وقف محقق شد $\rightarrow$ مال موقوفه از مالک واقف
(ایجاب + قبول + تبیین)
خارج می شود

خود مال موقوفه، شخصیت حقوقی پیدا می کند

نه حاکم نه مولی نه موقوف علم $\rightarrow$ هیچ کدام مالک نمی شوند.

مولى $\rightarrow$ واقف ضمن عقد وقف
هم فوری
هم غیر

را به عنوان مولى تعیین کند.

اگر واقف مولى تعیین نکند $\rightarrow$ وقف علم به سازمان اوقاف به مولى تعیین می کنند

که وقف خاص $\rightarrow$ موقوف علم مولى تعیین می کنند

اگر اوقاف بیدارند $\rightarrow$ سازمان اوقاف
مولى تعیین می کنند.

و اتف بعد از تحقق عقد وقف

حق نف مری به غیر مری یا دفات دیگر ادا ندارد

مگر در ضمن عقد وقف این حق را برای خود شرط

کرده باشد.

اگر وقف عام - اگر دات معدائی باشد
وقف صحیح است

آیا دات می تواند خودش را
موقوف علیهم قرار دهد

در وقف خاص - وقف باطل

وقف بر نفس

آیا دات می تواند در وقف شرطی به نفع خودش در وقف شرط باطل
برگردن موقوف علیهم قرار دهد ؟ ولی مطلق عند نیست

وقف - قابل اقاله نیست. شرط خیار در وقف - هم باطل هم مطلق
لزم عقد لازم شرط فلات معقنای ذات عقد.

در نکاح - شرط خیار فقط شرط باطل است.

وقف خاص ہے موقوف علیہم محصور

وقف عام } موقوف علیہم غیر محصور

وقف بر مصالح عامہ

وصیت بہ وقف بر مصالح عامہ ^{عقد است} قبول می فرماید.

وصیت بر مصالح عامہ ہے ایضاً

مال موقوفہ ہے مال مایل بقا

واقف هم مالك عين هم مالك منفعت

معدم ابتدای ہے باطل

وقف بر } معدوم بہ تبع وجود ہے صحیح

وصیت بر } معدوم ابتدای
معدوم بہ تبع وجود } ہے باطل

وقف بر موقوف علیہم مجہول

باطل

اگر موقوفی مقدر بود ہے بالاصحاح یا بالاستقلال؟
اولی تصریح بعد از آن عا^و اگر از آن نبود
↓
بالاصحاح

اگر بالاصحاح
ما کی از سر لیان مال موقوفہ، ثروت کنند یا مجبور شود
(ضم این)

حاکم شخصی ارضیہ سایرین ی کنند تا با ایشان معیناً تصرف نمایند
دارن مانع به
اداره

موقوف علیہم ہے اول بہ عام نسبت کہ رامت در بین کردہ

کہ اگر واقف کالت بود ہے تساوی

محقق بودن ہے با موقوفی

واقف مولى رايتن كرد
بعد فيانت مولى معلوم شود.

لے ضم این
حاکم حق عزل او را ندارد

کدام مورد، صحیح است؟

- (۱) متولی در صورتی می تواند برای انجام امور تولیت، وکیل بگیرد که در ضمن وقف، شرط شده باشد.
(۲) ☒ موقوف علیه بعد از حصول منافع موقوفه و تعیین حصه، تنها با اذن متولی، حق تصرف دارد.
(۳) ☒ وقف بر نفس و وقف بر مصالح عامه، اگر خود واقف مصداق موقوف علیه باشد، باطل است.
(۴) ☒ چنانچه متولی مال موقوفه مرتکب خیانت شود، حاکم حق عزل او را ندارد.

ضم این

مولى نمیتواند ، والذاری کند هم مى دانت به او این حق را داده
باشد.

ولى مى تواند برای امور، دلیل ببرد

حق ہے ملکہ امتیاز
 نسبت بہ یک مال ہے حق انتفاع از خود
 نسبت بہ دیگر شخص ہے طلب از شخص دیگر
 آثار حاصل از تصرف ہے حق انتفاع، حق تالیف

حق
 مالی ہے قابل ارزش گذاری با پول
 غیر مالی ہے مربوط بہ تحقیق
 یعنی مورد قیمت گذاری کرد
 حق ولایت، حق زریع

حق مالی

① قابل تقویم با پول

استا ط حق غنی ہے اعراض

② قابل استا ط - استا ط حق دینی ہے ابراء

ارادی ہے بہ واسطہ عقود

③ اصولاً قابل انتقال - قہری ہے ارث

④ اصولاً قابل توقیف توسط ملکاران .

ہرچہ قابل انتقال ارادی نیست ہے قابل توقیف نیست
 (حق تنفیذ یا رد معاملات مقولی را کہی) ، حق نسخ معاملات، حق سفار
 قابل انتقال ارادی نیست ولی بہ درجہ محدود

حق غیر مالی

① قابل تقدیم بہ پول نیستند

② اصولاً غیر قابل انشغال

حفاظت ہے پدر و مادر ممکن است توان کنند
آرفغان معلمت ملل با بندے هر چه
داکما ہوید

③ اصولاً غیر قابل اسقاط ہے حق نسخ در عقد نکاح ہے ی شود صرف نظر کرد

④ قابل توصیف در ساط طلبکاران نیستند.

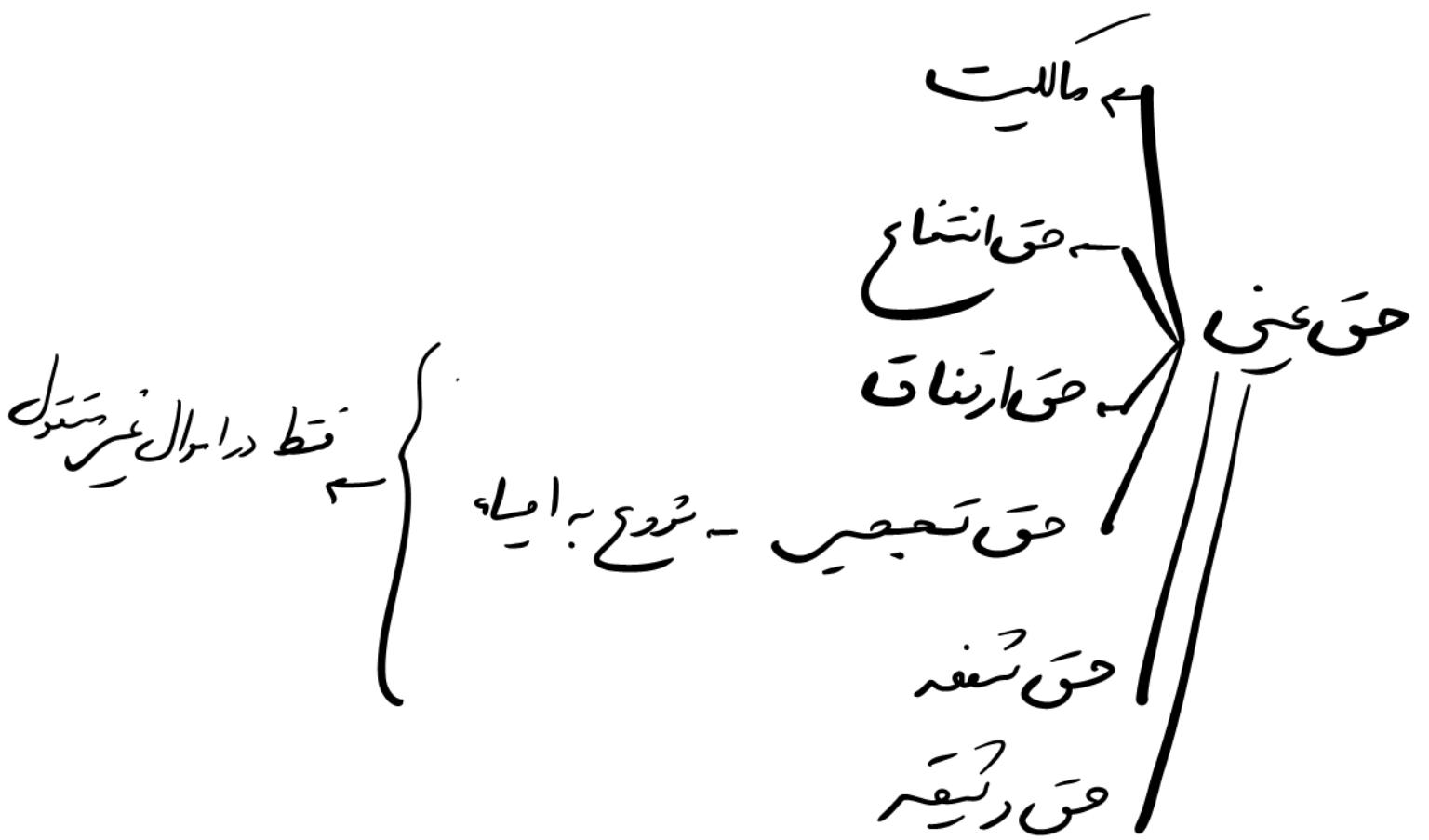
حق مالی
حق عینی ہے حق شخصیت ہے عین
حق مالیت
حق ذمہ سرتنیت
به مال سر دونه

حق عینی بہی
(بہیع دین)

حق دینی ہے رابطہ طلبکاری بدکاری

موضوع حق دینی ہے انجام عمل
مال
ترب عمل

حق فکری ہے شخصیت بہ اکثر مل حق تألیف
حق برادر دار ہے (حق نسخ در معاملات و تنفیذ یا در معاملات قضائی و اداری)
حق امانہ



حق مالیت به بالا زین مرتبه حق عینی

هر زمان، هر استفاده، دوران را هم منع از تصرف
 به واسطه عقود به شخص دیگر منتحل شود.

نسبت به عین
 دائمی
 اعراض (ایای)
 از بین رفتن مال

مابک اصولاً هر تصرفی که نبوده مگر
 منع قانون
 قاعده تسلیط
 ضرر به دوران